

افول آمریکا از منظر دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان؛ دیگری‌سازی و برساختن هویت آمریکایی در سخنرانی‌های انتخاباتی

اله‌ام کدخدایی*

چکیده

افول آمریکا مبحثی است که مورد توجه مجامع علمی - سیاسی ایران قرار گرفته است، با این وجود کمتر به ابعاد داخلی آن از جمله اختلاف‌نظر محافظه‌کاران و لیبرال‌ها بر سر این مفهوم پرداخته شده است. این تفاوت نگاه در دو عرصه تعریف چیستی هویت آمریکایی و جایگاه بین‌المللی آمریکا تبلور یافته است. وجود نگاه‌های متفاوت باعث شده توافقی برای متوقف کردن سراشیبی افول وجود نداشته باشد و هویت مشترک تضعیف شود. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی سخنان افراد شاخص دو حزب اصلی آمریکا با تمرکز بر دوره ظهور ترامپ پرداخته تا تم‌های مرتبط با افول را شناسایی نماید. نظریه هویت اجتماعی و به‌طور خاص مفهوم هویت مشترک درون‌گروهی، برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج این تحلیل مؤید وجود اختلاف عمیق در تعریف چیستی آمریکا و در عین حال، اتفاق نظر در مواردی مانند استثناگرایی آمریکایی است.

واژگان کلیدی

ایالات متحده آمریکا، افول، هویت مشترک، تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه هویت اجتماعی.

مقدمه

بحث در مورد خطر افول در دوره‌های مختلف تاریخی در ایالات متحده آمریکا مطرح بوده، و البته در دوره‌های خاصی شدت بیشتری پیدا کرده است. جندریسیک، استاد علوم سیاسی دانشگاه داکوتای شمالی، به شروع بحث افول در اقیانوس اطلس و در مسیر به آمریکا توسط جان وینتروپ اشاره می‌کند: وینتروپ در همان سخنرانی که «ساختن شهری بر فراز قله» را مطرح می‌کند، یادآور می‌شود که مهاجران اگر به درستی به مأموریت خود عمل نکنند مورد خشم خداوند قرار خواهند گرفت. (Jendrysik, 2008: 2)

در سال ۱۹۸۷ و با انتشار «ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ» اثر پل کندی، افول به شکل جدی در محافل دانشگاهی مطرح شد اما با پایان جنگ سرد و ظهور ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت جهان، این دعوی موقتاً به فراموشی سپرده شد. بنابراین مایکل کوکس مورخ از فراز، فرود، و فراز مجدد بحث افول سخن می‌گوید. (Cox, 2007) شاید بتوان این مشغولیت کماویش مداوم آمریکایی‌ها با موضوع افول را مرتبط با تاریخ و نحوه شکل‌گیری آمریکا و همچنین هویت ملی این کشور دانست. ایالات متحده آمریکا از ابتدا یعنی زمانی که مجموعه‌ای از مستعمرات امپراطوری بریتانیا بود، ساکنان متنوعی داشت. مردمی که در قاره به اصطلاح تازه کشف‌شده^۱ آمریکا ساکن می‌شدند، از کشورها، طبقات اجتماعی - اقتصادی و پیش‌زمینه‌های اعتقادی متفاوتی به این سرزمین «جدید» مهاجرت می‌کردند. این موضوع، به اضافه جغرافیای گسترده و متنوع آمریکا، منجر به شکل‌گیری هویت و سبک زندگی نسبتاً متفاوتی در مستعمرات، و بعداً در ایالات مختلف شد. مسئله دیگر، نبود تاریخ مشترک میان این مهاجران متنوع است. از این رو ساخت هویت مشترک آمریکایی کاری ساده نبوده است. برخی محققان بر نقش و اهمیت سیاست خارجی به طور کلی (Trautsch, 2018; Mccarthey, 2019)، و دشمن یا دیگری‌سازی به شکل جزئی‌تر، در به وجود آمدن این هویت تأکید می‌کنند. (Rhodes, 2021; Smith, 2019; Takacs, 2005)

این اختلاف هویت و در نتیجه اختلاف منافع، در دوره‌های مختلف تاریخ آمریکا به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است. شدیدترین و خشن‌ترین این بروز، جنگ داخلی آمریکا بود، که هویت و منافع شمال صنعتی‌شده و جنوب کشاورز و برده‌دار به قدری با یکدیگر زاویه پیدا کرد که مصالحه‌های^۲ همیشگی دیگر راهگشا نبود (Ransom, 1989; Mcpherson, 2015; Conlin, 2019) و کار به جنگی کشید که تبلور ناکارآمدی هویت مشترک آمریکایی بود. بنابراین اختلاف نظر بر سر مفهوم هویت

۱. اینکه قاره آمریکا توسط اروپایی‌ها و به طور خاص، کریستف کلمب کشف شد، افسانه‌ای است که توسط پژوهش‌های مختلفی زیر سؤال رفته است. استفاده از واژه «کشف»، وجود و اهمیت ساکنان بومی این قاره و تمدن‌های آنها را زیر سؤال می‌برد.

2. Compromise.

مشترک آمریکایی باعث شده تا آمریکا ملتی باشد که همواره با داشتن دشمن قوی مشترک، وضعیت بهتری داشته و آمریکا همیشه برای تعریف خود، به وجود «دیگری» که به شکل خاصی در رسانه‌ها و نزد افکار عمومی بازنمایی می‌شود، نیاز داشته است. هانتینگتون نیز به اهمیت وجود یک «دیگری نامطلوب» برای تعریف «هویت آیینی» آمریکایی‌ها و به چالش کشیده شدن هویت آمریکایی، یا به وجود آمدن اختلاف نظر در مورد اینکه آمریکایی بودن اصلاً چه معنایی دارد، اشاره می‌کند. (Huntington, 1997: 30)

وی همچنین به ارتباط هویت ملی با تعریف منافع ملی اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که بدون وجود تعریف واحد و مشخصی از اولی، داشتن منافع ملی معلوم و مشخص هم ناممکن می‌شود. به عقیده او، جنگ سرد و داشتن دشمن مشترک در شکل‌گیری و انسجام هویت ملی و همچنین در شکل‌گیری هویت مشترک میان مردم و دولت آمریکا مؤثر بود. (Ibid) با شروع بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ م آمریکا دیگر توانایی ورود به جنگ جدید و خلق دشمن جدی جدیدی ندارد. بنابراین اختلافات داخلی پررنگ‌تر می‌شود و بروز بیشتری پیدا می‌کند، که یک نمونه‌اش تظاهرات در اعتراض به تبعیض نژادی و رفتار پلیس با آفریقایی‌تباران بود.

با این مقدمه مختصر، وضعیت کنونی آمریکا و اختلافاتی که بر سر چالش افول وجود دارد چندان نوظهور به نظر نمی‌رسد، گرچه مطمئناً ابعاد و جوانب تازه‌ای دارد. شعار انتخاباتی ترامپ نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ م، «آمریکا را دوباره با عظمت کنیم»^۱ مؤید وجود این نگاه در بلاغت و رسایی اوست که آمریکا دچار افول شده و نیاز به بازسازی و بازگشت به دوران پرافتخار گذشته را دارد؛ چیزی که در سخنرانی‌ها و توثیتهای او نیز تکرار می‌شد.

گرچه مسلماً افول آمریکا ریشه‌های مادی و ملموسی از قبیل شرایط اقتصادی، پیدایش قدرت‌های نوظهور و رقیب ایالات متحده، و چالش‌های نظامی دارد، اما نباید اهمیت عوامل غیرمادی و به اصطلاح نرم، مانند هویت و گفتمان را نادیده گرفت. در حقیقت می‌توان به افول آمریکا به‌طور هم‌زمان به‌عنوان یک واقعیت مادی و یک مفهوم گفتمانی که به شکل‌های مختلفی چهارچوب‌بندی و برساخته می‌شود، نگاه کرد. (Biegon, 2019: 2)

از جمله مسائلی که کمتر در تحلیل‌های ایرانی از افول آمریکا به آن توجه می‌شود و در نتیجه منجر به نوعی ساده‌انگاری و تقلیل‌گرایی در این مورد شده است، جنبه‌ها و ریشه‌های داخلی این بحث است، که بدون توجه به این جوانب نمی‌توان تحلیل دقیقی از تأثیرگذاری افول قدرت آمریکا بر رفتارهای این کشور در عرصه بین‌الملل داشت. بنابراین مقاله حاضر سعی می‌کند قدمی در تبیین این جنبه از بحث بردارد تا در نهایت زمینه‌ساز تحلیل‌ها و واقعی‌تر از رفتارهای آمریکا باشد.

مروری بر پیشینه و ادبیات پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بحث افول از موضوعاتی است که دهه‌هاست در گفتمان سیاسی، رسانه‌ای و علمی آمریکا مطرح بوده است. پژوهشگران از زوایا و مواضع مختلفی از جمله افول آمریکا در حوزه علوم (Xie and Killewald, 2012) و همچنین بازنمایی سینمای آمریکا از افول، (Arnold, 2013) این موضوع را بررسی کرده‌اند.

موریس برمن استاد تاریخ و جامعه‌شناسی، از جمله افرادی است که به مطالعه گسترده موضوع افول آمریکا پرداخته و سه‌گانه‌ای در این ارتباط نوشته. او در کتاب اول، *غروب فرهنگ آمریکایی* (2000)^۱، به مقایسه آمریکا با امپراطوری روم باستان در دوران زوالش پرداخته و سرمایه‌داری و فرهنگ مصرف‌گرایی را از ایرادات جدی جامعه برمی‌شمارد. در کتاب دوم، «دوران تاریک آمریکا: مرحله آخر امپراتوری» (۲۰۱۱)^۲ نویسنده مدعی است که عواملی مانند فردگرایی، توسعه جغرافیایی و اقتصادی، و تلاش برای کسب ثروت، که زمانی عامل قدرت یافتن آمریکا بودند اکنون به عوامل نابودی این کشور تبدیل شده است. سرانجام در کتاب سوم، «چرا آمریکا شکست خورد: ریشه‌های افول امپراتوری»^۳ نویسنده به بررسی تاریخی علل وضع موجود می‌پردازد. حرص و طمع و تکنولوژی از جمله عوامل حرکت آمریکا به سمت ویران‌شهر موجود برشمرده شده‌اند.

وین بیکر در کتاب *بحران ارزش‌ها در آمریکا: واقعیت و تصور*^۴، به نقش «ارزش‌ها» و اختلافی که بر سر آنها در جامعه آمریکا وجود دارد، می‌پردازد. او نام انبوهی از نویسندگان و متفکرانی را برمی‌شمارد که با استناد به آمار و وقایع، نسبت به افول یا حتی سقوط اخلاقی آمریکا هشدار می‌دهند و به سه نوع نگرشی که می‌توان به بحران ارزش‌ها در آمریکا داشت، اشاره می‌کند. نگرش سوم که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می‌شود، بحث اختلاف غیرقابل آشتی در بین آمریکایی‌ها بر سر ارزش‌های اخلاقی، و آنچه تحت عنوان «جنگ‌های فرهنگی»^۵ شناخته شده، می‌باشد. (Baker, 2013)

کتاب *فراز و فرود افول قرن آمریکایی* به رویکرد تهاجمی آمریکا در جهت برتری‌جویی در عرصه بین‌المللی و اقتصاد که در نهایت منجر به گسترش قدرت آمریکا شد، و سپس فرآیندهایی که منجر به افول این قدرت شد، می‌پردازد. (Walker, 2018)

کتاب دیگری که فراز و فرود آمریکا را در کنار هم بررسی می‌کند، *در سایه قرن آمریکایی*^۶

-
1. The Twilight of American Culture.
 2. Dark Ages America: The Final Phase of Empire.
 3. Why America Failed: The Roots of Imperial Decline.
 4. Americas Crisis of Valued: Realty and Perception.
 5. Culture Wars.
 6. In the Shodows of the American century: the Rise and Decline of us Global power.

است. (McCoy, 2017) مک کوی ضمن تأکید بر اینکه آمریکا یک امپراطوری است، مدعی است که چین جای آمریکا به‌عنوان قدرت برتر جهانی را خواهد گرفت.

بحث افول را می‌توان در محتوای تولید شده برای مخاطب عامه نیز دید: **بحران آمریکایی: چه شد، و چگونه التیام پیدا می‌کنیم**^۱ از این دست کتاب‌هاست که بر چهار سال دوران ریاست جمهوری ترامپ تمرکز دارد. (Writers of the Atlantic, 2020)

بسیاری از محققان هنگام تحلیل افول آمریکا، به نقش و جایگاه بین‌الملل این کشور می‌پردازند. یکی از موضوعات مورد توجه، نحوه مواجهه متحدان آمریکا با «افول هژمونی» این کشور است. (Massie and Paquin, 2019)

برخی نویسندگان نیز بر غیرواقعی بودن افول تأکید دارند. روبرت لایبر با اشاره به مفهوم استثناگرایی آمریکایی و برشمردن اینکه آمریکا همواره در طول تاریخ خود توانسته چالش‌ها و بحران‌ها را پشت‌سر بگذارد، رویکرد افول‌گرایان را اغراق‌آمیز و بدبینانه دانسته است. (Lieber, 2012) تحلیل‌گرانی چون جوزف جوفه، (Joffe, 2014) رابرت کیگان (Kagan, 2012) و دنیل گراس (Gross, 2012) نیز در آثار خود افول آمریکا را افسانه می‌نامند.

چهارچوب نظری

ارتباط مسئله افول با تشدید دوقطبی در جامعه آمریکا را می‌توان از دو منظر درهم تنیده «گفتمان و هویت اجتماعی» بررسی کرد. اگر طبق نگاه سازه‌انگاران، بپذیریم که هویت اجتماعی ثابت نیست بلکه به مرور زمان برساخته می‌شود، گفتمان رهبران سیاسی را می‌توان یکی از عوامل شکل‌دهنده به این هویت اجتماعی دانست. نظریه هویت اجتماعی^۲ یکی از زیرمجموعه‌های اصلی روان‌شناسی اجتماعی^۳ است که بر تفاوت روندهای میان فردی با میان‌گروهی تأکید می‌کند (Ellemers and Haslam, 2012: 379) و بر مطالعه رفتارهای میان‌گروهی تمرکز می‌کند. بر مبنای این نظریه، هویت اجتماعی از طریق فرآیندهای شناختی و انگیزشی شکل می‌گیرد؛ افراد، خود و دیگران را به گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده و میان این گروه «خود» با گروه‌های دیگران تفکیک قائل می‌شوند. (David & Bar - Tal, 2009: 2)

«دسته‌بندی اجتماعی، مقایسه اجتماعی و تطبیق اجتماعی» سه فرآیند روان‌شناسی مورد توجه نظریه هویت اجتماعی‌اند. دسته‌بندی اجتماعی بدین معناست که انسان‌ها خود را به درون گروه‌ها (شامل افرادی

1. The American Crisis: What went Wrong. How We Recover.

2. Social Identity Theory (SIT).

3. Social Psychology.

که به خودشان شباهت دارند) و برون‌گروه‌های مختلف (شامل افرادی که با خودشان متفاوت هستند) تقسیم می‌کنند. در مرحله بعد افراد ویژگی‌ها و صفات مثبت را به درون‌گروه خود و ویژگی‌های منفی را به برون‌گروه‌ها نسبت می‌دهند، که معمولاً نتیجه این فرآیند، کلیشه‌سازی و به وجود آمدن جانب‌داری، و در نهایت نزاع میان‌گروهی خواهد بود. (Cuhadar: 274 & Dayton, 2011) مقاله حاضر می‌کوشد تا دوقطبی شدن جامعه و فضای سیاسی ایالات متحده را در چهارچوب این نظریه، و با استفاده از مفاهیم درون‌گروه، برون‌گروه و تبعیض و تعصب بین‌گروهی تحلیل کند. به بیان دیگر، سیاست‌مداری چون ترامپ، با استفاده از ویژگی طبیعی و روان‌شناسی بشر، به تشدید تعصب بین دسته‌بندی خود و دیگری درون جامعه آمریکا پرداخته و جامعه را در جهت عکس ساخت هویت مشترک، پیش برده است.

روش تحقیق

مقاله حاضر برای بررسی و مقایسه نگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به چیستی آمریکا و مسئله افول، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی^۱ استفاده خواهد کرد. CDA با رابطه میان قدرت و گفتمان سروکار دارد و به اینکه روابط اجتماعی چگونه مشروعیت می‌یابند یا مورد سؤال قرار می‌گیرند، و اینکه منافع چه گروه‌هایی تأمین یا انکار می‌شود. (Janks, 1997; Leeuwen, 2015) ادعای دیگر CDA این است که اغلب آنچه در جامعه به‌عنوان عقل سلیم یا مسائل بدیهی و طبیعی انگاشته می‌شود، در حقیقت توسط گفتمان برساخته شده است، یعنی افکار و گفتمان‌های خاصی برای پیشبرد منافع گروهی خاص در جامعه تثبیت می‌شوند. این رویکرد تحلیلی همچنین به زمینه^۲ اهمیت زیادی می‌دهد، بدین معنا که پژوهشگر باید به عوامل غیرزبانی مانند فرهنگ، جامعه و ایدئولوژی نیز بپردازد. (Meyer, 2001: 15)

محققان گوناگون رویکردهای مختلفی به CDA داشته‌اند. مقاله حاضر تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک، و مفهوم مربع ایدئولوژیک را که او برای تحلیل ایدئولوژی در گفتمان پیشنهاد می‌کند، به کار خواهد گرفت. مربع ایدئولوژیک همخوانی خوبی با مباحث روابط میان‌گروهی روان‌شناسی اجتماعی دارد. مربع ایدئولوژیک به زبان ساده، نوعی قطبی‌سازی است که نشان می‌دهد چگونه ویژگی‌های مثبت خود و ویژگی‌های منفی دیگری، بزرگ‌نمایی شده و رویشان تأکید می‌شود، و بالعکس، ویژگی‌های منفی خود و مثبت دیگری کم‌رنگ جلوه داده می‌شود. (van Dijk, 1997: 4) در گفتمان از ابعاد مختلفی برای پیشبرد این مربع ایدئولوژیک استفاده می‌شود؛ چون حجم، اهمیت، ارتباط، غیرمستقیم / صریح، انتساب و زاویه دید. (van Dijk, 1993: 17) به‌عنوان مثال، ابعادی استفاده از روش «اهمیت» این است که در

1. Critical Discourse Analysis (CDA).

2. Context.

گفتمان، اهمیت بیشتری به قسمتی که توصیف‌کننده ویژگی‌های مثبت خود و ویژگی‌های منفی دیگری است، داده می‌شود. ون‌دایک همچنین به حرکات اقناعی^۱ مانند استدلال، شیوه‌های بلاغی (اغراق در ویژگی‌های منفی دیگری و ویژگی‌های مثبت خود)، و سبک واژگانی، به‌عنوان ابزارهایی برای اعتباربخشی به توصیفاتی منطبق بر مربع ایدئولوژیک، اشاره می‌کند. (van Dijk, 1993: 264)

برای تحلیل گفتمان جمهوری خواهان، سخنرانی آغاز دوره ریاست جمهوری ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷ م، و سخنرانی او در کنوانسیون ملی جمهوری خواه‌ها در سال ۲۰۲۰ م، و جهت بررسی نگاه دموکرات‌ها، سخنرانی‌های او با ما، رئیس جمهور پیشین، و جو بایدن، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ م در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها در سال ۲۰۲۰ م، انتخاب شده‌اند. در ابتدا تم‌های اصلی موجود در این سخنان شناسایی و دسته‌بندی شده و سپس با توجه به مفهوم مربع ایدئولوژیک ون دایک مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

سخنرانی آغاز دوره ترامپ بدین جهت انتخاب شده که توصیف او از وضعیت پیشین و همچنین برنامه‌ای را که برای تغییر آمریکا دارد، به نمایش می‌گذارد. سخنرانی کنوانسیون ملی نیز فرصتی است تا ضمن پذیرش رسمی نمایندگی حزب در انتخابات، به تشریح عملکرد چهارساله خود، ترسیم آینده پیش‌رو، و نیز پاسخ‌گویی به مطالب مطرح‌شده در کنوانسیون حزب رقیب بپردازد. بنابراین تحلیل این سخنان امکان ارزیابی تفاوت معنای آمریکایی بودن از منظر دو حزب را به‌خوبی فراهم می‌آورد. در کنوانسیون ملی احزاب، نگاه نخبگان حزب به شکل کاملاً هدفمند، به مخاطبان و رأی‌دهندگان مخابره می‌شود و بنابراین انتخاب مناسبی برای تحلیل محتوا است.

بحث اصلی و تحلیل یافته‌های پژوهش

مسئله محوری در بحث افول آمریکا، چیستی هویت مشترک آمریکایی و چگونگی تعریف آن است، و اینکه طبق این تعریف آمریکایی‌ها - اعم از مردم عادی و همچنین نخبگانی که بر افکار عمومی تأثیر گذارند - وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب و کشورشان را چگونه ارزیابی می‌کنند. مسائل داخلی مانند وضعیت خانواده و جامعه، آزادی‌های فردی، شرایط اقتصادی، و عملکرد نهادهای مختلف از یک طرف، و اینکه آمریکا جایگاه و مسئولیت خود در عرصه خارجی را به چه شکلی تعریف و اجرا می‌کند از طرف دیگر، در شکل‌گیری ادراک آمریکایی‌ها از خود، برداشتشان از میزان جدی بودن بحران افول، و اینکه چگونه باید مسیر کشور اصلاح شود، تأثیر دارند. همچنین در همه این زمینه‌ها بین گروه‌ها و طیف‌های

1. Persuasive moves.

سیاسی اختلافات جدی وجود دارد، به شکلی که به هویت مشترک آسیب وارد شده و همین از هم گسیختگی به نوبه خود، افول را جدی‌تر می‌کند.

۱. بازنمایی افول در گفتمان ترامپ

دونالد ترامپ، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ م ایالات متحده آمریکا، از بحث افول در تبلیغات و کمپین انتخاباتی خود مکرر استفاده کرد و «هویت» جایگاه ویژه‌ای در گفتمان انتخاباتی او داشت، به شکلی که پژوهشگران به تأثیر استفاده از تم‌های مرتبط با افول بر پیروزی او در انتخابات اشاره کرده‌اند. (Biegon, 2019) یکی از مطالعاتی که بر روی این دوره انجام شده، گردهمایی‌های انتخاباتی ترامپ را «فستیوال هویتی که تبلور سیاست امید بود» توصیف کرده است. (Reicher and Haslam, 2016, 6) در این پژوهش به روش‌های مختلفی که در گردهمایی‌های انتخاباتی ترامپ برای ایجاد حس مشترک میان طرفداران او و همچنین برساختن «دیگری» (به‌عنوان مثال، رسانه‌ها) مورد استفاده قرار گرفته، اشاره شده است.

در گفتمان ترامپ «مردم» در مقابل افرادی که باعث افول آمریکا شده‌اند، قرار می‌گیرند. (Biegon, 2019: 6) «مردم» در این گفتمان به شکل غیررسمی، به‌عنوان «طبقه کارگر سفیدپوست مذکر» تعریف می‌شود. (Holland and Fermor, 2020: 1) در حقیقت گفتمان ترامپ از این تعریف استثناگرایانه برای مشخص کردن هویت ملی آمریکایی استفاده می‌کند، (Ibid, 13) و مسلّم است که چنین تعریفی منجر به حس کنارگذاشته شدن در افرادی که در آن نمی‌گنجد، خواهد شد.

نگاهی کلی به گفتمان ترامپ، کلیدواژه‌ها و مفاهیم مورد استفاده او در برساختن دوگانه خود / دیگری را مشخص می‌کند. قدرت از شاخص‌ترین این مفاهیم است، به‌نحوی که «خود» به شکل موجودیتی مقتدر و جسور، و دیگری لیبرال به‌عنوان بیرون‌گرویی که ضعیف و بی‌اراده است و در عرصه‌های داخلی و خارجی باعث تضعیف و درنهایت افول کشور می‌شود، چهارچوب‌بندی شده است.

برای بررسی دقیق‌تر بازنمایی افول در گفتمان دونالد ترامپ، علاوه بر محتوای کمپین انتخاباتی او باید به بررسی سخنرانی آغاز دوره ریاست جمهوری^۱ او در ژانویه ۲۰۱۷ م، و سخنرانی وضعیت اتحادیه^۲ ۲۰۲۰ م پرداخت. ترامپ در سخنرانی آغاز دوره ریاست جمهوری خود به دنبال رونمایی از آغاز دورانی جدید و متفاوت در تاریخ آمریکا بود و از شدیدترین الفاظ برای توصیف وضعیت اسفبار موجود آمریکا سخن گفت، ادبیاتی که هیچ جای تردیدی برای اینکه آمریکا در حال افول است، باقی نمی‌گذاشت.

1. Inauguration speech.
2. State of the Union Address.

البته سخنرانی با کلمات ملایم‌تر مانند «بازسازی» و «بازگرداندن» شروع می‌شود و در اوج خود به جمله «این فضاخت آمریکایی همین‌جا و همین الان پایان می‌یابد»^۱ (Trump, 2017: 2) که نویدگر افولی است که دیگران برای آمریکا رقم زده‌اند، می‌رسد. ترکیب «فضاخت آمریکایی» بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های آمریکا پیدا کرد؛ هم در زمان خود این سخنرانی، که این عبارت در خیلی از تیتراهای خبری گنجانده شد،^۲ و هم در تحلیل‌هایی که در سال‌های بعد و عمدتاً با نگاه انتقادی به عملکرد ترامپ در نشریه‌های مختلف به چاپ رسید. تحلیل‌گران «فضاخت آمریکایی» را که پیامی منفی و منعکس‌کننده خشم است، تنها تم مشخص و معنادار سخنرانی ترامپ دانسته‌اند. (Rosenthal, 2017: 3) حتی کتابی با عنوان «فضاخت آمریکایی: در خطوط مقدم جنگ داخلی جمهوری خواهان و ظهور رئیس جمهور ترامپ»^۳ منتشر شد که به بررسی دگرگونی حزب جمهوری خواه می‌پرداخت و ظهور ترامپ را نتیجه، و نه عامل سال‌ها بهم‌ریختگی درون حزب، قطبی‌سازی و سیاست‌زدگی می‌داند. (Alberta, 2019)

خبرگزاری ان بی سی در گزارش خود از ناآرامی‌های پس از کشته شدن جورج فلوید، (مرد سیاه‌پوستی که توسط پلیس آمریکا دستگیر و کشته شد (سال ۲۰۲۰) بیان می‌کند که گرچه عبارت «فضاخت آمریکایی» در زمان سخنرانی ترامپ، اغراق‌آمیز بوده اما اکنون با سیاست‌هایی که او در پیش گرفته، آمریکا عملاً به این فضاخت رسیده است. (Allen, 2020: 2) واشنگتن‌پست هم در تحلیل خود از سخنرانی ترامپ در مونت راشمور،^۴ آن را ورژن جدید «فضاخت آمریکایی» نامیده و می‌نویسد که این بار به‌جای مهاجران و ملت‌های بیگانه، آمریکایی‌های لیبرال، به‌عنوان تهدید معرفی می‌شوند. (Nakamura, 2020: 5)

یک. دیگری‌سازی

همان‌گونه که در بخش نظریه توضیح داده شد، یکی از مباحث شکل‌گیری تبعیض و دوقطبی طبق نظریه هویت اجتماعی، دیگری‌سازی و تأکید بر المان‌های هویتی ما / درون‌گروه و المان‌های متفاوت دیگری / برون‌گروه است. تحلیل‌گفتمان انتقادی نیز توضیح می‌دهد که برشمردن و بزرگ‌نمایی معایب برون‌گروه و نقاط مثبت و توانایی‌های درون‌گروه، از ابزارهای گفتمانی جهت پیشبرد ایدئولوژی و قدرت است. دیگری‌سازی به شکل فعالانه در سخنرانی آغاز دوران ریاست جمهوری ترامپ، با تعریف ترامپ و مردم / ملت^۵ به‌عنوان درون‌گروه، و تکرار مکرر ضمیر «ما»،^۶ و همچنین دولت و سیاست‌مداران، که با

1. "This American carnage stops right here and stops right now".

۲. تیتراهای خبرگزاری‌های بی بی سی، 2017، "Trump Innauguration".

3. American Carnage: on the, Front Lines Of the Republican Civilwar and the Rise of President Trump.

4. Mount Rushmore.

5. People / nation.

6. We.

کلماتی چون «واشنگتن» و «تشکیلات»^۱ توصیف می‌شوند، به‌عنوان برون‌گروه، برساخته می‌شود. این دیگری، به روایت ترامپ، به‌دنبال حفظ منافع خود به قیمت فقیرتر شدن مردم آمریکاست: «واشنگتن شکوفا شد [ثروتمند شد] اما مردم در ثروت او سهیم نبودند». (Trump, 2017: 4)

دو. سبک واژگانی

یکی از نکات مورد توجه تحلیل گفتمان انتقادی، سبک واژگانی^۲ است. بدین‌معنا که انتخاب واژگان، خود می‌تواند ابزاری در جهت برساختن گفتمان مورد نظر باشد. استفاده و تأکید مکرر ترامپ در سراسر این سخنرانی بر واژه‌های «مردم»، «ملت» و «ما» در راستای برساختن دوگانه مردم (ما / خود) / سیاست‌مداران (آنها / دیگری) بسیار مؤثر است. به‌عنوان مثال می‌توان به عبارت زیر اشاره کرد که در آن استفاده از صفات و ضمائر ملکی به برساختن این دوگانه کمک می‌کند:

پیروزی‌های آنها پیروزی‌های شما نبوده است. موفقیت‌های آنها موفقیت‌های شما نبوده است، و درحالی‌که آنها در پایتخت ملت شما جشن گرفتند، برای خانواده‌های در حال تقلا در سرتاسر سرزمین ما چیزی برای جشن گرفتن وجود نداشت. (Trump, 2017: 4)

در این نقل، قول ترامپ مخاطبان خود را مالکان حقیقی «سرزمین» و «پایتخت» می‌داند و سیاست‌مداران را به شکل غارتگرانی بازنمایی می‌کند که باعث فقر و بیچارگی مردم شده‌اند. البته خودش را هم که همواره در طبقه ثروتمندان بوده و هیچ‌وقت رنج «خانواده‌های در حال تقلا» را تجربه نکرده، به شکل غیرمستقیم به‌عنوان عضوی از درون‌گروه معرفی می‌نماید. ترامپ همچنین بر واژگان «بازسازی» و «بازگرداندن» تأکید دارد که مسلماً چیزی که مخروبه یا معیوب است، نیاز به «باز» گردانده شدن به وضعیت قبلی دارد. بنابراین تم‌های شناسایی شده در تحلیل گفتمان سخنرانی آغاز ریاست جمهوری ترامپ عبارتند از:

۱. تأکید بر مفهوم مردم و ملت؛
۲. دیگری‌سازی دموکرات‌ها؛
۳. تقابل با بدنه سیاسی و سیاست‌مداران؛
۴. فضاقت آمریکایی / وضعیت اسفبار موجود؛
۵. تأکید بر ضمیر «ما»؛
۶. بازیابی شکوه و خوشبختی از دست رفته.

1. The establishment.
2. Lexical Style.

۲. بازنمایی افول در نگاه دموکرات‌ها

گرچه بحث افول در میان طیف لیبرال آمریکا جدید نیست لیکن می‌توان توجه بیشتر به آن را تا حدود زیادی در واکنش به گفتمان ترامپ و دستیابی او به قدرت دانست. بنابراین محتوای این گفتمان نیز حالت واکنشی دارد و به دنبال ترسیم تصویری از آمریکا است که متفاوت با آن چیزی است که ترامپ به نمایش می‌گذارد. در این بین ارزش‌های لیبرال دموکراسی هم در عرصه داخلی و هم خارجی مورد تأکید قرار می‌گیرند. تنوع فرهنگی - قومیتی و نقش آن در تاریخ و بالندگی ایالات متحده، اهمیت و جایگاه نهادهای سیاسی و قانون اساسی، و آزادی‌های فردی از جمله ارزش‌های مورد تأکید لیبرال‌ها هستند.

البته از آنجایی که تا سال ۲۰۱۶ م دولت در دست دموکرات‌ها بود، نوع مواجهه آنها با بحث افول و ضعیف شدن آمریکا حالت تدافعی و واکنشی داشته و طبیعتاً به دنبال این هستند که نشان دهند افولی که ترامپ از آن حرف می‌زند و آن را تا حدود زیادی نتیجه هشت سال ریاست جمهوری اوپاما می‌داند، صحت ندارد. برای نمونه اوپاما در سخنرانی وضعیت اتحادیه خود در سال ۲۰۱۲ م گفت: «... هر کسی که به شما می‌گوید که آمریکا در حال افول است یا نفوذ ما کاهش یافته، نمی‌داند چه دارد می‌گوید». (Obama, 2012, 64) آنچه تحلیل پیش‌رو نشان می‌دهد این است که دموکرات‌ها از این انکار کامل افول، به پذیرفتن قرارگرفتن کشور در سراشیبی می‌رسند، که البته ترامپ و سیاست‌های او مقصر اصلی این افول ضمنی معرفی می‌شوند.

یکی از روش‌های مورد استفاده در گفتمان دموکرات‌ها این است که بگویند ترامپ اصلاً نمی‌داند آمریکا چه معنایی دارد. به عبارت دیگر، همان تعریف هویتی و ملی «آمریکا چیست و چه معنایی دارد» موضوعیت پیدا می‌کند. هیلاری کلینتون در سخنرانی در ژوئن ۲۰۱۶ م در کالیفرنیا با اشاره به سخنان ترامپ که آمریکا را «ضعیف» توصیف کرده، می‌گوید:

اینها کلمات کسی است که ما را به مسیر اشتباهی رهبری خواهد کرد. چون اگر شما واقعاً باور داشته باشید که آمریکا ضعیف است - با ارتشی که ما داریم، ارزش‌هایمان، توانایی‌هایی که داریم و هیچ کشور دیگری حتی شبیه آن را ندارد - پس شما آمریکا را نمی‌شناسید. (Clinton, 2016, 26)

در حقیقت با اینکه بحث افول قبلاً در میان دموکرات‌ها وجود داشته، از آنجایی که تبدیل به یکی از ابزارهای گفتمانی ترامپ شده، از طرف دموکرات‌ها مورد انکار قرار می‌گیرد، اما هم‌زمان این ادعا که اگر ترامپ رأی بیاورد برای آمریکا و جهان خطر بزرگی خواهد بود، مورد تأکید و حتی بزرگ‌نمایی قرار می‌گیرد. اما نکته‌ای که این نقل قول از کلینتون تأیید می‌کند، همان مسئله وجود اختلاف بر سر هویت

آمریکایی یا معنای آمریکا است؛ اینکه نخبگان سیاسی آمریکا بر سر اینکه آمریکا چیست، اختلاف نظر دارند و مایلند این اختلاف را به میان مردم کشانده و برای دستیابی به قدرت، حتی آن را تشدید کنند. آن گونه که تحلیل محتوای سخنرانی اوباما در کنوانسیون ملی دموکراتها نشان می‌دهد، یکی از تم‌های مهم گفتمان او ترسیم وضعیت موجود به‌عنوان حالتی است که آمریکا با «تهدیدی فوری» مواجه است، و البته «دموکراسی» از مهم‌ترین اهداف این تهدید است؛ واژه‌ای که مکرر در این سخنرانی بیان می‌شود. ادعای وجود «تهدید فوری» علاوه بر اینکه در کنار تم‌های دیگر مانند «دیوسان‌سازی^۱ ترامپ» و «سیاه‌نمایی وضعیت موجود»، عملاً به شکل غیرمستقیم بر واقعیت افول صحنه می‌گذارد، در خدمت هدف اصلی این نشست یعنی تشویق مردم به رأی دادن، قرار می‌گیرد. به این شکل که مردم با متوجه شدن اینکه چه خطر واقعی و فوری کشورشان، و البته مهم‌ترین ارزش آن یعنی دموکراسی را تهدید می‌کند، به سمت صندوق‌های رأی هجوم خواهند آورد. نکته دیگر اینکه تکرار کلمه دموکراسی را می‌توان این‌گونه برداشت کرد که از نگاه طیف اوباما، در تعریف اینکه آمریکا چیست، دموکراسی جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان ارزشی که هویت آمریکایی را تعریف می‌کند، معرفی می‌شود.

در بررسی سخنرانی‌های اوباما و بایدن به لحاظ سبک واژگانی، دموکراسی واژه و مفهوم کلیدی مورد اشاره اوباما، و دوگانه نور / تاریکی واژگان مورد تأکید بایدن است. بایدن در قسمتی از سخنانش می‌گوید: رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را مدت بیش از حد طولانی، غرق در تاریکی کرده. خشم بیش از حد. ترس بیش از حد. تفرقه بیش از حد. (Biden, 2020: 1)

و در قسمتی دیگر: «من متحد نور خواهم بود، نه تاریکی». (Ibid)

این دوگانه از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است:

در وهله اول اینکه برای توصیف دوران ریاست جمهوری ترامپ از استعاره تاریکی استفاده شده و این وعده به مردم آمریکا داده می‌شود که در صورت رأی دادن به کاندیدای حزب دموکرات، به روشنایی بازگردند. همخوان با مفهوم مربع ایدئولوژیک، ترامپ که در حقیقت همان «دیگری» این گفتمان است، تبلور هر چه بدی است، و بایدن یا «خود»، تجسم همه خوبی‌هاست.

از طرف دیگر، چارچوب‌بندی دوران حاضر به‌عنوان عصر تاریکی، نوعی صحنه گذاشتن بر واقعیت افول است؛ اینکه آمریکا دچار رکود و عقبگرد جدی شده است. دوگانه نور / تاریکی البته توسط اوباما نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد، جایی که بیان می‌کند:

امشب، من از شما می‌خواهم که به توانایی جو بایدن و کمالا هریس در هدایت این

کشور برای خروج از این دوران تاریک و بازسازی آن به شکل بهتری، ایمان پیدا کنید.
(Obama, 2020: 3)

بنابراین در گفتمان هر دو طیف، دوران حکمرانی رقیب به‌عنوان منشأ افول، و دوران دستیابی خود به قدرت، دوران بازگشت به خوبی‌ها، و دوران «بازسازی، معرفی می‌شود. تفاوت مهم در نشانه‌ها و شاخص‌هایی است که برای افول و سپس «بازگشت به دوران موفقیت ذکر می‌شود. درحالی که مفهوم «قدرت» و وضعیت اقتصادی قشر کارگر جایگاه ویژه‌ای در گفتمان ترامپ دارد، شاخص‌های مورد نظر دموکرات‌ها برای آمریکای موفق، دموکراسی، چندفرهنگی بودن، و چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل است. نکته دیگری که از تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های کنوانسیون ملی دموکرات‌ها به‌دست می‌آید، توجه به مفاهیم «امید» و «اتحاد» است. اینکه با وجود توصیف وضعیت موجود به شکل حالتی اسفبار و تاریک، بیان می‌شود که این وضعیت غیرقابل بازگشت نیست و با انتخاب حزب دموکرات، نه‌تنها راه نجات و بازگشت به «نور» وجود دارد، بلکه در این حالت زخم‌های سیاسی‌بازی و دودستگی ملت نیز التیام خواهند یافت. اینجا نیز مربع ایدئولوژیک در حال اعمال است. بدین مفهوم که هرچا بایدن از اتحاد سخن می‌گوید، به شکل غیرمستقیم به نقش منفی ترامپ در ایجاد دودستگی در جامعه آمریکا اشاره می‌نماید. برای نمونه در جمله زیر:

اما درحالی که من یک کاندیدای دموکرات خواهم بود، یک رئیس جمهور آمریکایی خواهم بود. من همان قدر سخت برای افرادی که به من رأی ندادند کار خواهم کرد، که برای افرادی که به من رأی دادند. این کار [وظیفه] یک رئیس جمهور است. که همه ما را نمایندگی کند، نه فقط پایگاه خودمان یا حزب خودمان را. این یک لحظه حزبی نیست. این باید یک لحظه آمریکایی باشد. (Biden, 2020: 2)

در این عبارت گرچه نامی از ترامپ و دوران ریاست جمهوری‌اش برده نمی‌شود اما می‌توان آن را اشاره‌ای کنایه‌آمیز به سیاست‌های او و نقشش در دوقطبی کردن جامعه دانست. در تصویرسازی اغراق‌آمیزی که دو طیف از شرایط نامساعد موجود آمریکا ارائه می‌دهند، خبری از ذکر ایرادها و اشتباه‌های «خود» نیست. به عبارت دیگر نقش «خود» در به وجود آمدن وضعیت موجود کاملاً انکار می‌شود. (آرایه‌های ادبی)^۱ گرچه در سخنان اواما و بایدن، اشاره به «کاستی‌های آمریکا» به‌عنوان یک تم دیده می‌شود، اما این را نمی‌توان برشمردن ایرادها و تقصیرهای «خود» دانست. از حرکت‌های اقناعی مورد استفاده در گفتمان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، استفاده از استدلال است به

1. Rhetorical figures.

شکلی که واقعیت‌های ملموس و مستدل برای اثبات دوقطبی موجود مطرح می‌شوند. بایدن نیز قسمتی از صحبت‌هایش را با عبارت «فقط کافی است این رئیس‌جمهور را بر مبنای حقایق قضاوت کنید» آغاز می‌کند و به ارائه فهرستی از آمارهای مختلف می‌پردازد. از وضعیت ابتلا و مرگ‌ومیر مربوط به کرونا، بیکاری، بیمه‌ها و سایر شاخص‌هایی که گویای وضعیت نامناسب و ناامیدکننده زندگی مردم هست.

«قصه‌گویی» از دیگر حرکت‌های اقناعی گفتمانی است که مورد استفاده بایدن قرار می‌گیرد. او به بیان خاطرات پدرش به‌عنوان فردی که سختی‌هایی را تحمل کرده می‌پردازد. این حرکت اقناعی باعث می‌شود مردم آمریکا بتوانند با تجربیات او ارتباط برقرار کرده و بپذیرند بایدن هم آنها را درک می‌کند. بحث در مورد هویت و معنای آمریکا نیز در هر دو سخنرانی (بایدن و اوباما) وجود دارد. بایدن می‌گوید: «اینکه ما به‌عنوان یک ملت، کی هستیم. ما نماد چه چیزی هستیم. و از همه مهم‌تر، اینکه ما می‌خواهیم چه باشیم. همه اینها در برگه رأی‌گیری است.» (Biden, 2020: 4) بنابراین اینجا نیز گفتمان به برساختن دوگانه می‌پردازد و آمریکای ترامپ در مقابل آمریکای دموکرات‌ها قرار می‌گیرد. پس از برشمردن ویژگی‌های منفی ترامپ همچون مسئولیت‌پذیر نبودن و تشدید تنفر و شکاف در جامعه (اختصاص دادن همه بدی‌ها به دیگری) بایدن از مخاطبان می‌پرسد که «آیا این آمریکایی است که شما برای خودتان، خانواده‌تان، فرزندان‌تان می‌خواهید؟ من آمریکایی متفاوتی را می‌بینم.» (Biden, 2020: 6) طبق تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده، تم‌های شناسایی شده در سخنرانی اوباما در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها عبارتند از:

۱. وجود تهدید فوری؛
۲. برشمردن ایرادهای آمریکا؛
۳. زنان و اقلیت‌ها / نژادپرستی؛
۴. سیاه‌نمایی وضعیت موجود؛
۵. دیوسان‌سازی ترامپ؛
۶. اهمیت دموکراسی؛
۷. استثناگرایی آمریکایی؛
۸. عدالت و برابری؛
۹. تأکید بر اهمیت رأی دادن؛
۱۰. امید و اتحاد.

تم‌های شناسایی شده در سخنرانی بایدن در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها:

۱. تقابل نور و تاریکی؛
۲. اهمیت دادن به اقلیت‌ها / زنان؛
۳. تهدید فوری؛
۴. وضعیت اسفبار آمریکا / اشاره غیرمستقیم به افول؛
۵. دیگری‌سازی / دیوسان‌سازی ترامپ؛
۶. امید و اتحاد؛
۷. اهمیت رأی دادن؛
۸. عدالت و برابری؛
۹. برشمردن کاستی‌های آمریکا.

تحلیل گفتمان سخنان دموکرات‌ها به وضوح نشان‌دهنده پیچیده‌تر و غیرمستقیم بودن اشارات است. طبیعتاً نوع مخاطبی که ترامپ برگزیده و همچنین رویکرد پوپولیستی او، و البته سبک رفتاری شخصی‌اش، ایجاب می‌کند که استدلال‌ها و ادعاهای خود را به شکل مستقیم و ساده‌تری بیان نماید. در حقیقت کمپین دموکرات‌ها سعی دارد پیام پیچیده‌تر و با جزئیات بیشتری را به مردم آمریکا برساند؛ اینکه گذشته آمریکا آن قدرها هم درخشان و بی‌نقص نبوده، مشکلاتی مانند برتری‌جویی نژادی و جنسیتی وجود داشته، اما نهادهای دموکراتیک این کشور پتانسیل تولید برون‌داد عادلانه‌تری را دارند و نباید ناامید شد.

۳. سخنرانی ترامپ در کنوانسیون ملی جمهوری خواهان

کنوانسیون ملی جمهوری خواهان روزهای ۲۴ تا ۲۷ اگوست ۲۰۲۰ م برگزار شد که در روز آخر، ترامپ سخنرانی پذیرش کاندیداتوری حزب را ایراد کرد. ترامپ نیز مانند رقبای خود در حزب دموکرات، به شکل مبالغه‌آمیزی اهمیت انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو را مورد تأکید قرار داده و بار دیگر به دیگری‌سازی دموکرات‌ها می‌پردازد:

هیچ زمان دیگری رأی‌دهندگان با انتخابی واضح‌تر بین دو حزب مواجه نبوده‌اند؛ دو چشم‌انداز؛ دو فلسفه یا دو برنامه. این انتخابات مشخص خواهد کرد که آیا ما رؤیای آمریکایی را نجات خواهیم داد یا اجازه خواهیم داد یک برنامه سوسیالیستی سرنوشت محبوب ما را خراب کند. (Trump, 2020: 12)

در حقیقت ترامپ به شکل آگاهانه‌ای از کلمات و مفاهیمی که به لحاظ تاریخی برای مردم آمریکا معنا و جایگاه ویژه دارند، مانند «سرنوشت»، «رؤیای آمریکایی» و «سوسیالیستی» استفاده می‌کند. همه

این کلمات به مخاطب این پیام را منتقل می‌کند که چیستی، هویت و موجودیت آمریکا در معرض تهدید جدی است. اینجا از حرکت اقلانعی «اغراق» استفاده می‌شود تا نقش و عاملیت دموکرات‌ها در به وجود آمدن چنین وضع بحرانی، طبق مربع ایدئولوژیک، پررنگ شود.

یکی دیگر از استراتژی‌های مورد اشاره ون دایک، مرتبط کردن دیگری با دشمنان شناخته شده است (van Dijk, 1998) که مرتبط کردن دموکرات‌ها با سوسیالیسم در گفتمان ترامپ، همین کارکرد را دارد. سرمایه‌داران و رهبران سیاسی آمریکا همواره هر جنبش و تفکری را که رقیب منافع کاپیتالیستی خود دیده‌اند، با ابزارهای مختلف از صحنه تأثیرگذاری در جامعه و سیاست حذف کرده‌اند. نمونه بارز این قضیه سال‌های جنگ سرد، تقابل ایدئولوژیک شوروی و پدیده مک کارتیسم^۱ است. سال‌ها تبلیغات و گفتمان‌سازی در این زمینه باعث شده تا کمونیسم و حتی سوسیالیسم تبدیل به برجسبی کارآمد برای بی‌اعتبار کردن و دیوسان جلوه دادن دیگری تبدیل شود؛ حربه‌ای که علیه کاندیدایی چون برنی سندرز استفاده شد، و اینجا نیز ترامپ در تلاش است تا از آن علیه بایدن، که به وضوح از طبقه سرمایه‌داران است و در نهایت به دنبال اصلاحاتی جزئی برای بهبود وضعیت مردم عادی خواهد بود، استفاده کند.

نکته جالب توجه در سخنان ترامپ این است که نه تنها از تم افول در سخنرانی «فضاحت آمریکایی» خود فاصله گرفته، بلکه در بازنمایی دستاوردهای چهار ساله خود اغراق کرده (حرکت اقلانعی اغراق در عاملیت خود در نتایج مثبت) و در واکنش مستقیم به تعبیر نور و تاریکی بایدن، بیان می‌کند که آمریکا نه تنها «با تاریکی پوشیده نشده» بلکه «مشعلی است که کل دنیا را روشن می‌کند». در حقیقت ترامپ با اشاره مکرر و اغراق‌آمیز به دستاوردهای دولت خود و دیگری‌سازی دموکرات‌ها به‌ویژه شخص بایدن، خود را به شکل منجی فداکاری که آمریکا را از افول نجات داده، بازنمایی می‌کند. همچنین برخلاف دموکرات‌ها که به برخی نقص‌ها و کاستی‌ها در تاریخ آمریکا، همچون برده‌داری و تبعیض اشاره می‌کنند، بازنمایی ترامپ از این تاریخ، سراسر افتخارآمیز، مقتدر و روشن است. او در این بازنمایی، به ۱۵ فرد با ذکر نام، از رؤسای جمهوری چون لینکلن و تئودور روزولت تا اعضای نیروی پلیس، اشاره می‌کند، که از این تعداد به‌جز سه نفر، بقیه مردان سفیدپوست هستند. این رویکرد جایگاه این قشر در آمریکای ترامپ، و البته اهمیت این طبقه به‌عنوان حامیان اصلی ترامپ را نشان می‌دهد.

در ادامه سخنرانی، ترامپ به دیگری‌سازی آمریکایی‌هایی که در جبهه مخالفش قرار دارند، ادامه می‌دهد. دوگانه «آمریکایی‌های قانون‌مند / آنارشویست‌های خشن» از جمله تعابیری است که برای این دیگری‌سازی استفاده می‌کند. او در توصیف این دیگری آنها را «آشوبگر» و «مجرمانی» می‌داند که «شهروندان ما را تهدید می‌کنند». وی ادامه می‌گوید:

1. McCarthyism.

این انتخابات مشخص خواهد کرد که آیا ما از روش زندگی آمریکایی دفاع خواهیم کرد یا اینکه اجازه خواهیم داد یک جنبش رادیکال آن را به طور کامل از بین ببرد و نابود کند. (Trump, 202: 16)

درحقیقت اینجا نیز مفهوم هویت و معنای آمریکایی بودن مطرح می‌شود. ترامپ روش زندگی درون گروه خود را «روش زندگی آمریکایی»، و آمریکایی‌های برون گروه خود را «رادیکال» می‌نامد، ضمن اینکه آنان را به شکل تهدید برای کل آمریکا، و نه فقط برای حزب یا طیف خودش، معرفی می‌کند. جورج بوش در سخنرانی مشهور خود پس از حملات ۱۱ سپتامبر، تروریسم را تهدیدکننده «سبک زندگی آمریکایی» و تروریست‌ها را متفر از ارزش‌هایی چون دموکراسی و آزادی معرفی می‌کند. (Bush, 2008: 68) در دوران جنگ سرد، دیگری اصلی، کمونیسم بود و از برجسب کمونیسم برای آزار، محدود کردن، و حتی حذف رقبا استفاده می‌شد، اما شاخصه متمایز گفتمان ترامپ، تعریف و برساختن دیگری جدید به عنوان بخشی از جامعه داخلی خود آمریکا است.

اهمیت سرنوشت‌ساز این انتخابات و این پیام که نتیجه این انتخابات یا پیروزی ترامپ است و یا نابودی «آمریکا» (نه به معنای واقعیت عینی بلکه به معنای از بین رفتن مفهوم واقعی آمریکا و آنچه اسلاف و قهرمانان ملی برایش جنگیدند) در سخنان و رفتارهای دیگر ترامپ هم مورد اشاره قرار می‌گیرد، مانند امتناع او از تأیید اینکه در صورت شکست، قدرت را به شکل مسالمت‌آمیز منتقل خواهد کرد.

همان‌گونه که گذشت، از شاخصه‌های گفتمان دموکرات‌ها، اعتراف به برخی اشکالات در تاریخ و عملکرد نهادهای این نظام و ادعای داشتن عزم و برنامه برای اصلاح این ایرادها، از جمله بی‌عدالتی بود. ترامپ با اشاره به این نقدها، و با استفاده از آرایه اغراق، نقد دموکرات‌ها را به شکل تخریب «کشور ما» توصیف کرده و باور آنها به استثنائگرایی آمریکایی را زیر سؤال می‌برد و ادعای آنها برای اصلاح آمریکا را به شکل اعتقاد به اینکه آمریکا باید «به خاطر گناهانش مجازات شود» توصیف می‌کند. به بیان دیگر ترامپ رویکرد دموکرات‌ها را رویکردی اعتداری چهارچوب‌بندی کرده و احساس افتخار آنها به آمریکایی بودن را زیر سؤال می‌برد.

نکته دیگری که تفاوت نگاه ترامپ و دموکرات‌ها به مفهوم آمریکایی بودن را نشان می‌دهد، اشاره به قهرمانان ملی و افراد سرشناس در گفتمان دو طیف است. درحالی‌که در بین پنج نفر مورد اشاره در سخنرانی‌های اواما و بایدن، فقط یک نفر مرد، سفید پوست است، ترامپ نام ۱۵ فرد را می‌آورد که از این بین فقط سه نفر متعلق به گروه مردان سفیدپوست نیستند و شامل اقلیت‌ها یا زنان می‌شوند.

تم‌های سخنرانی ترامپ در کنوانسیون ملی جمهوری خواهان ۲۰۲۰:

۱. استثنائگرایی آمریکایی

۲. انتخابات سرنوشت‌ساز و وجود تهدید جدی برای آمریکا

۳. جایگاه خدا

۴. دیگری سازی دموکرات‌ها

۵. اغراق و بزرگ‌نمایی دستاوردهای دولت

۶. تأکید بر ضمیر «من»

۷. تقابل با بدنه سیاسی.

نتیجه

تحلیل محتوای انتقادی متون انتخاب‌شده نشان‌دهنده انطباق کامل گفتمان دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه با مربع ایدئولوژیک ون دایک است. رهبران دو حزب از طیفی از استراتژی‌های زبانی برای پررنگ جلوه دادن رفتارهای مثبت خود و منفی رقیب، و همچنین انتساب عاملیت به این رفتارها، استفاده کرده‌اند. این تحلیل همچنین جایگاه غیرقابل انکار استعاره و تلاش سیاستمداران برای به‌کار بردن آن برای تأثیرگذاری روی مخاطب و همچنین القای وضع بحرانی را به نمایش می‌گذارد، که منطبق با نتایج پژوهش‌های پیشین در مورد نقش محوری استعاره در گفتمان سیاسی است. (Farahani and Adeli Jam, 2019) نتایج این پژوهش در عین حال حاکی از آن است که علی‌رغم وجود تعریف متفاوت از آمریکایی بودن، اشتراکاتی نیز در دو گفتمان وجود دارد. هر دو طیف به بزرگ‌نمایی اغراق‌آمیز انتخابات ۲۰۲۰ می‌پردازند، آن را تعیین‌کننده سرنوشت کشور و حتی نجات‌دهنده «رؤیای آمریکایی» می‌دانند، و به‌طور مداوم به دیگری‌سازی طرف مقابل می‌پردازند.

مفهوم مشترک دیگر در گفتمان دو طیف، استثناگرایی آمریکایی است. عباراتی چون رؤیای آمریکایی، روح آمریکایی، آمریکا به‌عنوان نمونه‌ای که دیگران به‌دنبال پیروی از آن هستند، به خوبی نشان‌دهنده این واقعیت است که رهبران دو حزب کشور خود را متفاوت و برتر می‌دانند. بنابراین شاید بتوان پررنگ بودن مسئله افول در گفتمان داخلی آمریکا را ناشی از همین تصور متفاوت یا منحصر به فرد بودن این کشور دانست، بدین‌معنا که ایالات متحده آمریکا مانند سایر کشورها، از ابتدا وجود نداشت، بلکه سرزمینی بود که توسط ماجراجویان و استعمارگران اروپایی فتح شد و به‌دلیل نبود المان‌های مورد نیاز برای برساختن هویت مشترک میان مهاجران متنوع و گوناگون، مانند تاریخ و پیشینه مشترک، تأکید مضاعفی روی مفهوم «ایده» آمریکایی بودن قرار گرفت. بنابراین در تاریخ نسبتاً کوتاه آمریکا، ایده‌ها، ارزش‌ها، نهادهای سیاسی و شخصیت‌های شاخصی مانند پدران بنیان‌گذار^۱ وجود دارند که آمریکا مدام باید اطمینان حاصل کند که با آنها همخوانی دارد و در مسیر موردنظر و مطابق با آنها پیش می‌رود. استثناگرایی آمریکایی مفهومی است

1. Founding Fathers.

که نه تنها به آمریکایی‌ها جسارت داده تا در راستای اهداف توسعه طلبانه خود هیچ مرزی را نشناسند و همه جا به خود حق نفوذ و مداخله بدهند، بلکه باعث شده مدام از خود بپرسند وجه تمایزشان با دنیا چیست، و انتظار داشته باشند برتری‌شان در جنبه‌های مختلف (اقتصاد / سطح رفاه، نظامی / قدرت، ارزش‌ها / آزادی‌های فردی، ساختار و نهادهای سیاسی) مشهود و مسلم باشد. نخبگان آمریکایی طبق چیزی که استثناگرایی آمریکایی به آنها دیکته می‌کند و در فرهنگ‌شان نهادینه شده، عادی بودن را نمی‌پذیرند و اگر احساس کنند در یکی از حوزه‌های نام‌برده شده به سمت عادی بودن پیش می‌روند، سخن از افول می‌گویند.

اگر بخواهیم نگاه تحلیل‌گرانی را بپذیریم که معتقدند بحث افول از ابتدای شکل‌گیری نظام سیاسی ایالات متحده به شکل‌های مختلفی وجود داشته، شاید بتوان وجه تمایز دوران فعلی را در این دانست که دشمن خارجی جدی‌ای که بتواند تهدید اصلی به حساب آید، وجود ندارد (گرچه همچنان دشمن یا تهدیدهای خارجی مانند روسیه، چین و حتی ایران توسط سیاستمداران مطرح می‌شوند) و دیگری‌سازی مورد نیاز برای تحکیم هویت مشترک، به شکل فزاینده‌ای در میان خود جامعه اتفاق می‌افتد؛ همان چیزی که به قطبی شدن می‌انجامد و تبدیل به یکی از تهدیدهای جدی نظام سیاسی و اجتماعی ایالات متحده شده است.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه وجود بحث افول به شکل جدی در گفتمان نخبگان و مردم عادی آمریکا، نشان از مشکلات ساختاری و جدی مدل لیبرال دموکراسی آمریکایی است که قرار بود پس از اتمام جنگ سرد، در همه جای دنیا به اجرا دربیاید و پایان تاریخ را به دنبال داشته باشد. وقتی که در خود آمریکا مشکلات واقعی مانند فقر، گسترش جرم و جنایت، محدود شدن آزادی‌های فردی با بهانه مقابله با تهدیدهای امنیتی (Regilme, 2019) وجود دارد، مسلماً آمریکا نمی‌تواند آن‌طور که همواره ادعا کرده است الگوی مناسبی برای سایر کشورهای جهان باشد، و وجود چنین مشکلات جدی نشان از معیوب بودن مدل لیبرال دموکراسی منطبق بر سرمایه‌داری است.

تحلیل سخنان و مواضع سیاستمداران و همچنین تغییر تم‌های موجود در گفتمان آنها نشانگر این واقعیت است که آنها ابایی از استفاده از مفهوم افول به شکل مستقیم یا کنایه‌آمیز، به‌عنوان ابزاری برای دیگری‌سازی و در نهایت شکست رقبای خود ندارند؛ اتفاقی که طبیعتاً تشدید دوقطبی جامعه را به دنبال خواهد داشت.

منابع و مأخذ

1. Alberta, T., 2019, *American Carnage: On the Front Lines of the Republican Civil War and the Rise of President Trump*: Harper.
2. Allen, J., 2020, *Trump envisioned 'American carnage'*, Now, he's got it, from https://www.nbcnews.com/politics/white-house/trump_envisioned_american_carnage-now_he_s_got_it_n1220361.

3. Arnold, G. B., 2013, *Projecting the End of the American Dream: Hollywood's Visions of U. S.*, Decline: ABC – CLIO.
4. Baker, W. E., 2013, *America's Crisis of Values: Reality and Perception: Princeton University Press.*
5. Biegon, R., 2019, *A populist grand strategy? Trump and the framing of American decline.* *International Relations*, 33 (4), 517 - 539, doi: 10.1177/0047117819852399.
6. Cox, M., 2007, *Is the United States in Decline - Again? An Essay.* *International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-)*, 83 (4), 643 – 653.
7. Cuhadar, E., & Dayton, B., 2011, *The Social Psychology of Identity and Inter-group Conflict: From Theory to Practice.* *International Studies Perspectives*, 12 (3), 273 – 293.
8. David, O., & Bar-Tal, D., 2009, *A Sociopsychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example*, *Personality and Social Psychology Review*, 13 (4) , 354 - 379, doi: 10.1177/1088868309344412.
9. Ellemers, N., & Haslam, S. A., 2012, *Social identity theory Handbook of theories of social psychology*, Vol. 2, p. 379 - 398, Thousand Oaks, CA: Sage Publications Ltd.
10. Holland, J., & Fermor, B. *The discursive hegemony of Trump's Jacksonian populism: Race, class, and gender in constructions and contestations of US national identity*, 2016 - 2018, *Politics*, 0(0), 0263395720936867, doi: 10.1177/0263395720936867.
11. Huntington, S. P., 1997, *The Erosion of American National Interests*, *Foreign Affairs*, 76 (5), 28 – 49.
12. Jendrysik, M. S., 2008, *Modern Jeremiahs: Contemporary Visions of American Decline*, Lexington Books.
13. Joffe, J., 2014, *The Myth of America's Decline: Politics, Economics, and a Half Century of False Prophecies*, Liveright.
14. Meyer, M., 2001, *Between Theory, Method, and Politics: Positioning of the Approaches to Cda.* In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (1st ed.), SAGE Publications, Ltd.
15. Nakamura, D., 2020, *In Trump's new version of American carnage, the threat isn't immigrants or foreign nations. It's other Americans*, The Debrief, from https://www.washingtonpost.com/politics/in_trumps_new_version_of_american_carnage_the_threat_isnt_immigrants_or_foreign_nations_its_other_americans/2020/07/04/f1354fa6-be10-11ea-8cf5-9c1b8d7f84c6_story.html
16. Rosenthal, A., 2017, *What We Saw as Trump Took Office.* *Opinion.* 2020, from https://www.nytimes.com/interactive/projects/cp/opinion/presidential_inauguration_2017/trump_gives_us_american_carnage
17. Trump inauguration: President vows to end 'American carnage'. 2017, *News. 2020*, from https://www.bbc.com/news/world_us_canada_38688507.
18. Van Dijk, T. A., 1993, *Principles of critical discourse analysis*, *Discourse & society*, 4 (2), 249_283.
19. Van Dijk, T. A., 1997, *Opinions and ideologies in the press.*
20. Xie, Y., & Killewald, A. A., 2012, *Is American Science in Decline?*, Harvard University Press.